

به نام خدا

نقش آموزش مهارت های گفت و گو محور در دانش آموزان

مولفان :

سید عنایت اله غریبی
فرشته راهداری
فرشته حکمتی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: غریبی، سید عنایت اله، ۱۳۶۹
عنوان و نام پدیدآور: نقش آموزش مهارت های گفت و گو محور در دانش آموزان/ مولفان سید
عنایت اله غریبی، فرشته راهداری، فرشته حکمتی.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۶۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۰۶۴-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: دانش آموزان - آموزش مهارت های گفت و گو محور
شناسه افزوده: راهداری، فرشته، ۱۳۶۳
شناسه افزوده: حکمتی، فرشته، ۱۳۶۶
رده بندی کنگره: PN۲۱۴۱
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۰۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۵۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: نقش آموزش مهارت های گفت و گو محور در دانش آموزان
مولفان: سید عنایت اله غریبی - فرشته راهداری - فرشته حکمتی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زیر جلد
قیمت: ۱۶۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۰۶۴-۶
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

۷	فصل اول: کلیات
۷	مقدمه
۸	نقش مهارت گفتگو محور قبل از تکنولوژی مدرن
۱۲	اهمیت کنش تفاهمی در ساختار گفت گو محور در دانش آموزان دبستانی
۱۵	فصل دوم: مبانی نظری واکاوی گفت وگو و ارتباطات میان فردی
۱۵	گفت وگو و ارتباطات میان فردی
۱۵	واکاوی مفهوم «گفتوگو»
۱۸	تفاوت گفت وگو با سایر ژانرهای مشابه
۲۱	شرایط و پیشزمینه های گفتوگو
۲۲	نظریه های گفتوگویی در ارتباطات میان فردی
۲۴	گفتوگوی سقراطی (نمونه های از گفتوگوی انتقادی)
۲۶	انواع سه گانه بحث سقراطی
۲۹	نظریه گفتوگویی دیوید بوهم (نمونه های از گفتوگوی خلاق)
۳۱	آرمان گفت وگو از منظر بوهم
۳۲	نظریه گفتوگویی مارتین بویر (نمونه ای از گفتوگوی مراقبتی)
۳۴	نظریه گفتوگویی ویلیام اسحاق (گفتوگوی اندیشمندانه و بازاندیشانه)
۳۵	چالش گفتوگو
۳۷	میدانهای گفتوشنودی
۴۰	ویژگی های مختلف برای سکوت در چهار فضای میدان گفتوگویی
۴۳	مفاهیم مشترک در نظریات گفت وگویی مذکور
۴۳	ایجاد فضای مناسب برای گفت وگو
۴۳	تسهیلگر و راهنمای بحث
۴۳	گوش دادن
۴۷	احترام گذاشتن
۴۷	تعویق قضاوت
۴۸	ابراز کردن

۴۹	گفت‌و‌گو و یادگیری
۴۹	جایگاه گفتوگو در نظام آموزش و پرورش
۵۰	گفتوگوی رهایی‌بخش پائولو فریره
۵۴	برنامه آموزشی «فلسفه‌برای کودکان»
۵۹	زبان و تفکر
۶۱	منطقه تقریبی رشد
۶۴	یادگیری مشارکتی
۶۵	یادگیری به عنوان کندوکاو
۶۶	حلقه کندوکاو یا اجتماع پژوهشی
۷۰	نقش حلقه کندوکاو در نظام تعلیم و تربیت
۷۳	تفکر زیربنای گفت‌و‌گوی کندوکاوی
۷۴	تفکر انتقادی در گفتوگوی کندوکاو محور
۷۶	تفکر انتقادی با میانجی گفتوگو
۷۸	تفکر خلاق در گفتوگوی کندوکاو محور
۷۹	تفکر خلاق با میانجی گفتوگو
۸۱	تفکر مراقبتی روح گفتوگوی کندوکاو محور
۸۵	ارزشیابی
۸۶	مفهوم «کودکی»
۹۰	کنش مبتنی بر تفاهم؛ محصول گفتوگو
۹۰	کنش ارتباطی هابرماس
۹۶	وضعیت آرمانی گفتار و اخلاق گفتوگو
۹۷	پیشینه گفت‌گو محور
۹۷	پایان‌نامه‌های علوم تربیتی مرتبط
۹۸	پایان‌نامه‌های پیرامون «فلسفه‌برای کودکان»
۱۰۴	پایان‌نامه‌های با موضوع گفتوگو در بستر علوم اجتماعی و ارتباطات
۱۰۷	پایان‌نامه‌های با رویکرد میان‌رشته‌ای
۱۰۸	پژوهش‌های مرتبط با «فلسفه‌برای کودکان»
۱۱۰	سایر پژوهش‌های مرتبط

۱۱۳	چارچوب مفهومی
۱۱۹	فصل سوم: روش شناسی
۱۲۰	مشاهده همراه با مشارکت
۱۲۱	مراحل مشاهده همراه با مشارکت
۱۲۱	تحلیل مکالمه
۱۲۴	روش اجرای تحلیل گفتوگو
۱۲۶	سازوکار نوبت گیری
۱۲۷	سازوکار توالی و طراحی نوبت
۱۲۷	انتخاب واژگان و تأثیر آن بر شفافیت گفتار
۱۲۸	سازوکار اصلاح
۱۲۸	تحلیل مکالمه و تفاوت آن با سایر رویکردها نظیر تحلیل گفتمان
۱۲۹	تفاوت‌های اصلی تحلیل مکالمه با سایر رویکردها از نظر «تن هاو»
۱۳۰	مصاحبه متمرکز
۱۳۰	مؤلفه های مصاحبه متمرکز
۱۳۳	فصل چهارم: روند اجرای گفتوگوی کندوکاوی در کلاسهای «فلسفه برای کودکان»
۱۳۳	توصیف و تفسیر مشاهدات همراه با مشارکت
۱۳۳	روند اجرای گفتوگوی کندوکاوی در کلاسهای «فلسفه برای کودکان»
۱۳۶	گفتوگو پیرامون چیستی «هنر»
۱۳۷	مفهوم‌سازی مهارت‌های مشاهده شده در گفت‌وگوی کندوکاوی
۱۳۷	الگوی تعامل کندوکاوی
۱۳۷	گوش دادن فعالانه
۱۳۸	مشارکت در بحث
۱۳۸	احترام گذاشتن
۱۳۹	پیوند و انسجام بحث
۱۳۹	خود تصحیحی
۱۳۹	بررسی اختلاف نظر
۱۴۰	مهارت‌های استدلالی و مفهومی

۱۴۲	بررسی پیامدها و پیش فرض‌ها
۱۴۳	جمع‌بندی جداول الگوهای کندوکاو و مهارت‌های استدلالی و مفهومی
۱۴۵	مهارت‌های ارتباط غیرکلامی
۱۴۷	فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۴۷	جمع‌بندی
۱۴۷	مشاهدات و تحلیل گفت‌وگوها
۱۵۰	مصاحبه متمرکز
۱۵۱	نتیجه‌گیری
۱۵۳	پیشنهادها
۱۵۵	منابع و مآخذ

فصل اول: کلیات

مقدمه

خوب است، کمی به روابط میان فردی و تعاملات خود بیندیشیم. آخرین باری که به حرف‌های شما گوش کرده‌اند، کی بود؟ به زمانی بیندیشید که چند تن را در حال صحبت کردن پیرامون مسئله‌ای دشوار مشاهده کردید؛ گفت‌وگوی آنها چگونه پیش رفت؟ آیا توانستند عمق مطالب یکدیگر را بشکافند؟ آیا به تفاهمی مشترک دست یافتند که ماندنی باشد؟ یا اینکه افراد چوبی و مکانیکی بودند و هریک فقط درباره نگرانی‌ها و احساسات خود واکنش نشان می‌دادند و صرفاً آن را مدنظر قرار می‌دادند؟ یا اینکه تنها آنچه را موافق نظرات از قبل شکل گرفته خودشان بود، می‌شنیدند؟ ما علی‌رغم نیت خیرمان، اکثراً در طول گفت‌وگو، منتظر اولین فرصتی هستیم تا اظهارات و عقاید خود را ارائه دهیم و هنگامی که بحث داغ می‌شود، آهنگ گفت‌وگوهایمان شبیه جنگ مسلحانه خیابانی می‌شود.

آتش این نوع تعاملات و کنش‌های فردی به خرمن سکون و روزمرگی دنیای معاصر نیز تسری یافته است. اگر اندکی به اخباری که روزانه از سراسر جهان می‌شنویم، بیندیشیم، درمی‌یابیم که پدیده‌های شومی چون داعش، طالبان و جنگ‌های منطقه‌ای، آتش زدن مساجد در فرانسه، اسیدپاشی و... محصول همین دنیای مدرن است. اما چرا در آستانه هزاره سوم، تأکید بر هویت خویشتن باید با نفی هویت‌های دیگر قرین باشد؟ آیا جوامع ما، تنها به دلیل تفاوت در دین، زبان، ملیت و عقیده انسان‌هایی که در آن زندگی می‌کنند تا ابد گرفتار تنش‌ها و فوران خشونت‌های مرگبار، از حمله‌های انتحاری تا نسل‌کشی خواهد بود؟ قطعاً نمی‌توان نقش دولت‌های سرکوبگر و استعمارطلب را در این اتفاقات نادیده گرفت؛ اما به‌نظرم این همه اختلاف و حتی بحران در جهان، بیشتر از آنکه

ناشی از نقطه نظرات متفاوت باشد از عدم توانایی انسان‌ها در اجرای صحیح گفت‌وگو و رسیدن به تفاهم نشئت می‌گیرد.

اما حلقه گم شده در گفت‌وگوهای ما چیست؟ آیا یک ویژگی ذاتی از خرد و حکمت است که فقط در برخی از ما یافت می‌شود یا ناشی از آن است که نمی‌دانیم چگونه با هم بیندیشیم و گفت‌وگو کنیم؟

«وقتی در ریچه‌های ادراک بازتر شوند، همه چیز در نظر انسان آنچنان جلوه می‌کند که هست؛ بی‌پایان، اما انسان چنان خود را محصور کرده است که همه چیز را فقط از شکاف باریک غار خود می‌بیند»^۱

نقش مهارت گفتگو محور قبل از تکنولوژی مدرن

در طی چند دهه گذشته، تکنولوژی‌های مدرن (رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی)، شبکه ارتباطی گسترده‌ای را به وجود آورده‌اند که با وجود آن، در هر بخش عالم می‌توان دائماً با بخش‌های دیگر در تماس بود. با وجود این سیستم جهان گستر ارتباطی، برقراری ارتباط تقریباً در همه جا به نحو قابل ملاحظه‌ای دچار اشکال است. انسان‌هایی که در قالب ملت‌های گوناگون، با سیستم‌های سیاسی و اقتصادی متفاوت، در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند، به سختی می‌توانند بدون جنگ و دعوا باهم صحبت کنند. در درون یک ملت واحد نیز، طبقات مختلف اجتماعی و گروه‌های سیاسی و اقتصادی گرفتار وضعیت مشابهی هستند و توانایی درک و مفاهمه با یکدیگر را ندارند. در واقع در عصر جدید با وجود اینکه وسایل و ابزارهای ارتباطی پیشرفت بسیاری کرده‌است، ولی این همه باعث تفاهم بیشتر انسان‌ها نشده‌است و این حاکی از آن است که صرف گسترش تبادل اطلاعات بین انسان‌ها، موجب همدلی و تفاهم نمی‌شود و چیزی از چالش‌ها و مشکلات پیش رو کم نمی‌کند. و این همه اختلاف و حتی بحران، بیشتر از آنکه ناشی از نقطه نظرات متفاوت باشد از عدم توانایی انسان‌ها در اجرای گفت‌وگو و تفاهم است.

^۱ ویلیام بلیک به نقل از هارتکه مایر، ۱۳۸۲، ص ۱۷

همچنین، بسیاری از تهدیدها و بحران‌هایی که بشر در دنیای مدرن با آن مواجه شده است، ناشی از عادت‌های تفکر و فرایندهای ارتباط است. یکی از مسائل اصلی در معرفت بشر و مهم‌ترین عامل به وجودآورنده چالش‌های شناختی، ناتوانی آدمی در تفکر و اندیشیدن است. تضاد، کشمکش و کج‌فهمی بین آدم‌ها، نفی دیگری و تأیید بی چون و چرای معرفت خویشتن از ویژگی‌های بارز انسان در آفت‌های شناختی بشر در عصر معاصر است. در چنین وضعیتی، افراد آن چنان که شایسته است به اندیشه دیگری احترام نمی‌گذارند، پیش از آنکه مهارت خوب شنیدن را یاد بگیرند، سخن می‌گویند و دیگری را تحلیل می‌کنند و لذا گرفتار پیش داوری‌های ذهنی هستند.

اگر در فضای اجتماعی به جای جدال برای تحمیل و تسلط یک اندیشه به دیگران، بتوان خود را از «تنها اندیشیدن» رها نمود و به مدد «گفت‌وگو» همه صداها را شنید و همه انسان‌ها را درک کرد، دیگر نیازی به تهدید و دشمنی در جامعه نخواهد بود. در گفت‌وگو، ابتدا تفاهم مشترک از مسائل مورد نظر فراهم می‌آید و سپس در روند «باهم اندیشیدن»، زمینه پیشنهاد برای یافتن و ارائه راه‌حل ایجاد می‌گردد. «با گفت‌وگو، زبان مشترک پیدا می‌شود و با زبان مشترک، فکر مشترک شکل می‌گیرد و با فکر مشترک رویکرد مشترک در قبال مسائل پدید می‌آید. از این رو حاصل گفت‌وگو در نهایت همدلی و هم‌زبانی است.» (خانیک، ۱۳۸۷: ۹) اما انگیزه‌های خودمحرورانه در ما بزرگسالان چنین ریشه کرده است که به آسانی نمی‌توان وارد گفت‌وگو به معنای حقیقی آن شد. افزون بر این، ما گرفتار عادت‌های گفتاری نادرستی در گفت‌وگوهایمان هستیم مانند «هرگونه بیان یا سؤال به نیت ابراز وجود به جای حقیقت‌جویی»، «سخنان طولانی، مکرر، پراکنده و گاهی بدون هدف به جای سخنان متمرکز و موجز»، «درد و دل‌های شخصی به جای پرداختن به مسائل عمومی» و همچنین عادت‌های شنیداری نادرستی چون «شنیدن صدای الفاظ به جای گوش دادن به معانی واژه‌ها»، «اندیشیدن به موضع خود پیش از گوش کردن به حرف دیگران»، «برداشت از حرف دیگران بدون شناسایی پیش‌فرض‌های خود و آنها» و به این ترتیب، گفت‌وگوها اساساً منجر به تفاهم نمی‌شوند، مفید نبوده، به پیش نمی‌روند و موجب کسالت روح می‌شوند. (شهرتاش، ۱۳۹۰)